



غلامرضا گلکی زواره

در نیمه دوم قرن نهم هجری و اوایل قرن دهم می زیسته که از تاریخ وفات وی اطلاعی نداریم.

نسب وی پس از چند واسطه به امام حسن مجتبی- علیه السلام- می رسد و یکی از اجدادش سید بهاءالدین حیدر طباطبایی زواری می باشد که در قرن هفتم هجری به هنگام هجوم مغولها به زواره، مقتول گشت و در خانه خویش دفن گردید و آرامگاهش اکنون زیارتگاه مردم می باشد.

غیاث الدین جمشید، به خاطر دفاع و پاسبانی از مکتب تشیع و حمایت از حریم خاندان عصمت و طهارت و نشر دانش ائمه، قبل از روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی (فوت ۹۳۰هـ) به شدت در محاق ستم بسر می برده و تنگناهایی را مخالفین و معاندین برایش فراهم می نموده اند. وی به دلیل شرایط خفقان زایی که در آن عصر حاکم بوده، چون نمی توانسته

تفاسیر قرآن و آثار نگاشته شده در آستانه کتاب الهی حجم بسیار بزرگ، و پربرگ و باری را در فرهنگ اسلامی تشکیل می دهد. تفاسیر قرآنی که بخامه قرآن پژوهان و عالمان اسلامی تدوین و نشر یافته است هر یک از منظری و دیدگاهی به قرآن نگریسته و آیات آن را تفسیر کرده اند. نقل روایات و احادیث منقول از معصومان-ع- در تفسیر آیات (= تفسیر به مآثور) از کهن ترین شیوه های تفسیری است که آثار فراوانی با این شیوه نشر یافته است. یکی از مفسران شیعه که در روش تفسیری خود به نقل قول از ائمه-ع- روی آورد سید غیاث الدین جمشید گازر می باشد که ذیلاً به شرح حال و معرفی تفسیر وی می پردازیم:

* سید گازر

سید غیاث الدین جمشید زواره ای که به «سید گازر» شهرت دارد و تراجم نویسان نامش را «مولی جمشید زواری»^۱ ضبط نموده و برخی هم از او به عنوان «میرزا جمشید» سخن گفته اند، از محدثان و مفسران بنام شیعه محسوب می گردد که

۱. آوزواری یعنی منسوب به آوزاره و نام زواره در تالیفات عربی از جمله معجم البلدان به این صورت آمده است.

به طور علنی در ترویج و نشر معارف جعفری اهتمام ورزد، می‌کوشیده تا در حالتی از اختفا به همت شاگردان مشتاق خویش، از طریق تشکیل جلساتی، حقایق و فضایل اهل بیت را بازگو کند. فخرالدین مولی‌علی بن حسن زواری از اعظم تلامذ این سید وارسته، با محظوظ گشتن از اندیشه‌های استاد خویش، در صدد آن بوده تا با مساعد شدن شرایط و رفع تنگناها، اندوخته‌های خود را از طریق تألیف و تصنیف و ترجمه در اختیار فارسی‌زبانان عاشق اهل بیت قرار دهد که بعدها در عصر شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ق) این مهم را تحقق بخشید به گونه‌ای که شرح حال نگاران از او به عنوان یکی از بزرگترین مترجمان و پرکارترین نویسندگان عصر صفوی نام برده‌اند. او یکی از نخستین کسانی بود که در طریقه شیعه کتابهایی را تألیف و یا ترجمه نمود.^۲

علی بن حسن زواری در مقدمه کتاب «لوامع الانوار فی معرفة الاطهار» که ملخصی است از کتاب: «احسن الکبار فی مناقب الائمة الاطهار» تألیف محمدابن ابی زیدبن عرب شاه بن ابی زید بن احمد الحسینی العلوی الحسینی الورامینی.^۳ و آن را در سال ۹۸۶ قمری به دستور شاه طهماسب صفوی تلخیص کرده و از روایات نادرست و نقلهای سست پاک و منقح نموده.^۴ از استاد خود سید غیاث‌الدین جمشید ذکری به میان آورده و از ستمهایی که قبل از ظهور شاه اسماعیل بر وی روا گشته، سخن رانده است وی اضافه می‌کند که استادم از ظهور شاه طهماسب صفوی به من خبر داد. در خصوص این شرایط ناگوار محیط طباطبایی می‌نویسد:

«... وجود "پشت مشهد" در پس با روی زواره حکایت از وجود مجتمع و مشهدی از شیعه درون حصار می‌کند که در ایلغار مغول به سبب انتساب به شیعه ویران شد و مردم آن هم پراکنده شدند و بعد از تجدید بنا و وضع اداره و تصرف باز مشهد و مجتمع شیعه‌ای بود که از بیم تعدی جماعت همشهری خود در حال خفا و تقیه می‌زیستند، این موضوعی است که علی بن حسن مترجم و مفسر زواره در ترجمه فارسی «احسن الکبار» از قول سید غیاث‌الدین جمشید مفسر زواره‌ای استاد خود که پیش از قیام شاه اسماعیل در زواره می‌زیست، نقل می‌کند...»^۵

و در جای دیگر می‌گوید:

«... مردم زواره در آغاز قیام شاه اسماعیل زودتر از محال نزدیک بدانجا در اظهار تشیع همت گماشته بودند، وجود دو مفسر نامدار عالیقدر شیعه یکی غیاث‌الدین جمشید گازر و دیگری شاگرد نامدارش علی بن حسن زواری صاحب تفسیر و ترجمه‌های متعدد از قرآن و اخبار و کتابهای شیعه به فارسی دری از اهمیت نقشی حکایت می‌کند که زواره در عهد شاه اسماعیل و پسرش شاه طهماسب در نشر مذهب تشیع به عهده داشته است. سید غیاث‌الدین جمشید که پیش از قیام شاه اسماعیل در مضیقه مخالفان به سر می‌برده از محنت ایام سلف برای شاگرد خود علی مفسر، سخن گفته و نشان داده است که شیعه آن عهد اعم از علوی و غیر علوی در نهانی به سر می‌بردند...»^۶ صاحب «روضات الجنات» در خصوص این مفسر، شرح جداگانه‌ای ندارد و تنها ذیل معرفی شاگردش

۲. تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، جلد اول، تهران، فروغی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۱.

۳. وی در سلطانیه و اصفهان به سر می‌برده و در سال ۸۲۷ قمری در فیروزان زندگی می‌کرده است و اثریاد شده را بین سالهای ۷۳۹ تا ۷۴۰ قمری در شان و منزلت اهل بیت به زبان عربی برای نصره‌الدین اسماعیل بن محمدبن علی ابن ابی طالب الرازی ساخته و پرداخته است. در کتابخانه ملک (تهران) و کتابخانه مدرسه فیضیه قم و کتابخانه مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی-ره- نسخ مخطوطی از این کتاب نگاهداری می‌شود. برای تحقیق بیشتر در این خصوص ر. ک: یادداشتهای قزوینی، جلد اول، ص ۲۵ و ۲۶؛ مجله راهنمای کتاب، سال ۱۳۵۳؛ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، شماره چهارم، سال هفتم؛ نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد اول.

۴. مجله آینه پژوهش، شماره ۹، مقاله تفسیر ترجمه الخواص به قلم نگارنده، ص ۴۵.

۵. زواره‌ای که دیده‌ام. محیط طباطبایی، مجله باستان شناسی و تاریخ. سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۶۶، مرکز نشر دانشگاهی.

۶. مقدمه دیوان سیدحسین طباطبایی (مجموعه) به قلم محیط طباطبایی. تهران، خیام، ۱۳۴۵ ش.

علی بن حسن زواری می نویسد: «و كان من اكابر تلامذة السيد غياث الدين جمشيد الزواری المفسر»^۷.

مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی در معرفی وی می گوید:

«... و اما السيد الذي كان هو استاد المولى ابى الحسن الزواری فى فن التفسير فهو السيد غياث الدين جمشيد المفسر الزواری كما صرح به صاحب الرياض وقد ذكرنا تفسيره بعنوان تفسير جمشيد...»^۸

و در جای دیگر ذیل تفسیر جمشید پس از معرفی غیاث الدین جمشید می نویسد:

«... و يظهر من بعض الفهارس ان السيد الغازر مؤلف التفسير المعروف بتفسير غازر كان استاد المولى ابى الحسن الزواری...»^۹

دکتر محمد شفیع، استاد دانشگاه شیراز در معرفی تفسیر میرزا جمشید می نگارد:

«مفسر، سید غیاث الدین جمشید زواره ای، استاد علی بن حسن زواری است که معاصر محقق کرکی بوده است.»^{۱۰}

مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، پژوهنده معاصر و صاحب تألیفات عدیده، این مفسر را به شرح ذیل معرفی می نماید:

«سید غیاث الدین از بزرگان علمای شیعه و مفسرین قرن دهم به شمار می رفته و عده زیادی از محضر او استفاده و کسب کمال نموده اند، از جمله شاگردان اوست: علی بن حسن زواری مؤلف تفسیر ترجمه الخواص یا تفسیر زواره ای و غیر...»^{۱۱}

بنابر آنچه گذشت، سید غیاث الدین جمشید مزبور در زمره علمای و مفسرین بنام شیعه بوده و برخی او را به عنوان مؤلف «تفسیر میرزا جمشید» می شناسند که چنین اثری در دسترس نمی باشد و عده دیگری وی را به عنوان تدوین کننده تفسیر گازر که بخش دوم تفسیر «جلاء الاذهان» است معرفی کرده اند.

* غیاث الدین جمشید کاشانی و سید گازر

برخی از شرح حال نویسان در معرفی این مفسر دچار اشتباه شده و غیاث الدین جمشید کاشانی را که منجم و

ریاضی دان معروف ایرانی است با وی یکی گرفته و تفسیر سید گازر را ذیل آثار ستاره شناس کاشانی، فهرست نموده اند. مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبایی به این نکته اشاره می نماید:

«غیاث الدین جمشید گازر زواره ای همشهری من که استاد علی بن حسن مفسر زواری بود کتاب تفسیری داشته که بعدها با تفسیر دیگری مشته گردید. او در آغاز قیام شاه اسماعیل یعنی هفتاد سال بعد از مرگ غیاث الدین جمشید منجم، در زواره می زیست و برخی از نویسندگان معاصر این دو تن را اشتباه کرده و یک نفر پنداشته اند و در نتیجه تفسیر سید غیاث الدین جمشید زواره ای را بر فهرست آثار منسوب به غیاث الدین منجم افزوده اند که کاری درست نبوده است.»^{۱۲}

مرحوم مدرس تبریزی صاحب کتاب «ریحانة الادب» اولین شرح حال نگاری است که ستاره شناس کاشانی را با مفسر زواره ای یکی پنداشته و تفسیر این سید را جزو آثار غیاث الدین منجم، فهرست نموده است:

«غیاث الدین، مولی جمشید بن مسعود بن محمود بن احمد کاشانی، مفسر زواری [!] حکیم ریاضی، منجم ماهر از اکابر علما و ریاضیین اواسط قرن نهم هجرت استاد علی بن حسن زواری و ... از تألیفات و آثار علمی اوست: تفسیر القرآن که به تفسیر جمشید معروف است. و در «ذریعه» از بعضی فهرستها استظهار کرده که سید گازر مؤلف تفسیر معروف به «تفسیر گازر»

۷. روضات الجنات. خوانساری. ج ۴، ص ۳۷۶.

۸. الذریعه الی تصانیف الشیعه. ج ۴، ص ۳۱۰.

۹. همان. ج ۴، ص ۲۷۰.

۱۰. مفسران شیعه. دکتر محمد شفیع. تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۲۷.

۱۱. تاریخ اردستان. ج ۲، مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی. تهران، ۱۳۴۲، ص ۲۷۲.

۱۲. غیاث الدین جمشید کاشانی، محیط طباطبایی، مجله گوهر، سال ششم، شماره ۷، مهرماه ۱۳۵۷.

نیز استاد علی بن حسن زواری باشد، چنانچه غیاث الدین استاد او بوده و بعد از آن احتمال داده که ایشان متحد باشند؛ یعنی سید گازر صاحب تفسیر عبارت از همین غیاث الدین باشد و محتمل است که جمشید و سید گازر دو نفر بوده و هر دو استاد علی بن حسن مفسر زواری باشند...^{۱۳}

دهخدا در لغت نامه خود ذیل غیاث الدین جمشید کاشانی و نیز ابوالفتح حکیمیان در اثر خود،^{۱۴} دچار این اشتباه شده اند، همچنین آقای ابوالقاسم قربانی که در خصوص زندگی و آثار غیاث الدین جمشید کاشانی دست به تالیف مستقلی زده است، تفسیر گازر را به این منجم کاشانی نسبت داده است.^{۱۵}

نخستین کسی که شرح احوال و آثار غیاث الدین جمشید کاشانی را به طور مفصل و مبسوط بیان نمود و زندگی نامه و آثار وی را از شرح حال و اثر معروف سیدگازر، یعنی تفسیر وی تفکیک ساخت، مرحوم استاد سیدمحمد محیط طباطبایی است.^{۱۶}

گروهی دیگر از نویسندگان در آثار و پژوهشهای خود، مفسر زواره ای را با غیاث الدین جمشید ثانی یعنی ملا علی محمد اصفهانی که ستاره شناس و ریاضی دان بوده، یکی گرفته و تفسیر سیدگازر را جزو آثارش قلمداد نموده اند.

* سید گازر و ابوالمحاسن جرجانی

از موارد دیگری که مورد بحث محققان و شرح حال نگاران می باشد، تفکیک بین مؤلف تفسیری تحت عنوان: «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان» یعنی ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی و سیدغیاث الدین جمشید مؤلف تفسیر گازر می باشد که در این خصوص از سوی پژوهندگان نظرات متفاوتی مطرح می باشد.

متأسفانه در خصوص زندگی، آثار و تاریخ حیات ابوالمحاسن مذکور اطلاع دقیقی در دسترس نیست و تنها میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء از او این گونه یاد می کند:

«فاضل عالم محدث مفسر معروف کان من مشاهیر علماء الامامیه و من مولفاته کتاب تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القرآن و هو تفسیر حسن الفوائد کبیر لکنه بالفارسی و

قد ادرج فیہ اخبار الائمة علیهم السلام و روایات الامامیه و قد رأیت نسخه منها باسترآباد و اخر بالتبریز و اخری برشت و اخری بآمل و لم اعلم عصره و لایبعد کونه بعینه تفسیر گازر فلاحظه».^{۱۷}

ابن یوسف می نویسد:

با تفحص زیاد در کتب سیره و رجال ایشان را شناختیم و نتوانستیم بدانیم که در چه قرنی بوده اند ولی ظاهراً از علما و دانشمندان قرن نهم یا دهم هجری می باشد و از این تفسیر معلوم می شود که شیعی و امامی مذهب بوده و مخصوصاً بنا گذاشته که تفسیر را موافق اخبار اهل بیت عصمت و طهارت بنویسد.^{۱۸}

در برخی نسخی که از این تفسیر در کتابخانه ها موجود است نام وی «ابوالمحاسن» و در نسخه های دیگر «ابوالمجالس» ضبط شده و تنها در ص ۳۰۷ جلد اول کتاب «کشف الظنون» عنوان «ابوالمحاسن» دیده می شود، آن هم با این عبارت: «تفسیر بیهقی»: «هو ابوالمحاسن مسعود علی البیهقی الملقب بفخر الزمان المتوفی سنه (۴۴۴) اربع و اربعین و اربعمائه».

مؤلف ریحانة الادب ابوالمحاسن جرجانی را از اکابر علمای امامیه و معاصر علامه حلی پنداشته و کتاب تکمله

۱۳. ریحانة الادب. مرحوم مدرس تبریزی. جلد سوم، تهران، ۱۳۲۸، شرکت سهامی کتاب، ص ۱۶۵.

۱۴. فهرست مشاهیر ایران. دکتر ابوالفتح حکیمیان. دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۵۷.

۱۵. ر. ک: کاشانی نامه - تحقیق در احوال و آثار غیاث الدین جمشید کاشانی. نگارش ابوالقاسم قربانی. دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.

۱۶. بنگرید به مجله آموزش و پرورش، سال دهم، ۱۳۱۹، شماره های ۳ و ۴، مقاله غیاث الدین جمشید کاشانی از محیط طباطبایی.

۱۷. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. میرزا عبدالله افندی اصفهانی. ج ۲، صص ۸۵ و ۸۶.

۱۸. فهرست کتب خطی فارسی و عربی کتابخانه مدرسه عالی سبهاولات (سابق). ج ۱، ص ۱۰۱.

السعادات فی کیفیة العبادات المسنونات را که به زبان فارسی است به عنوان یکی از تالیفاتش معرفی کرده و اضافه می کند که مؤلف در سال ۷۲۲ هجری از نوشتن کتاب فراغت یافته است.^{۱۹} که این مطلب با شرح حال مندرج در ریاض العلماء انطباق ندارد و اصولاً تفسیری با چنین نثر ساده و روان نمی تواند مربوط به عصر مغولها باشد چون آثار فارسی این عصر مغلق و پیچیده بوده و از نثری ثقیل و سنگین برخوردارند.

البته این ابوالمحاسن جرجانی را نباید با ابوالمحاسن علی بن احمد الجرجانی که صاحب قصاید فاخره در مناقب اهل بیت طاهره- علیهم السلام- می باشد^{۲۰} و نیز ملاحسین جرجانی اشتباه نمود در نسخه ای خطی از تفسیر «جلاء الاذهان»... که در کتابخانه مدرسه سلیمان خان (مسجد شاه مشهد) نگاهداری می شود، نام مفسر مزبور به صورت «ابوالمحاسن حسین گازر گرگانی» ضبط شده است. علاوه بر آنکه از زندگی ابوالمحاسن مذکور اطلاع دقیقی نداریم، در برخی نسخه های خطی تفسیر جلاء الاذهان، نام وی با سید غیاث الدین جمشید گازر زواری مشتبه گردیده است. در ابتدای نسخه ای از این تفسیر که به ملک الشعراى بهار تعلق داشته، نوشته: مجلد رابع از تفسیر گازر و در آخر آن این عبارت آمده: «قد وقع الفراغ من تحریر هذه التفسیر الکلام الملک القدیر اللطیف الخیر السميع البصیر و هو موسوم بجلاء الاذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القران...» ولی در آخر نسخه خطی محتشم السلطنه آمده:

«تمت المجلدة الثانية من تفسیر القران مسمى بجلاء الاذهان و جلاء الاحزان المنسوب الی ابوالمحاسن الحسين المشهور بگازر نور قبره علی یده الخ...»
مدرس تبریزی می نویسد:

«... بنابر آنچه تحت عنوان جرجانی حسین نگارش دادیم، احتمال قوی می رود که سید گازر صاحب تفسیر همان ابوالمحاسن جرجانی حسین بوده و تفسیر گازر هم عبارت از همان تفسیر جلاء الاذهان نام جرجانی حسین باشد و رجوع به همین عنوان جرجانی نمایند. بالجمله، سید گازر مفسر که تفسیری هم معروف به تفسیر گازر دارد بین غیاث الدین جمشید و ابوالمحاسن جرجانی حسین و یا شخص دیگر بودن غیر ایشان

مردد و تفسیر او که از جمله تفاسیر معدود امامیه و به تفسیر گازر معروف است بین غیاث الدین جمشید و تفسیر جلاء الاذهان نام ابوالمحاسن جرجانی و با تفسیری دیگر بودن غیر این دو تفسیر مررد و هنوز کاملاً منقح نشده است.^{۲۱}

سیدعلی اردلان جوان در فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی می گوید:

«ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی معروف به سید گازر از علما و مفسرین اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از اساتید علی بن حسن زواری نویسنده ترجمه الخواص بوده است.»^{۲۲}

در صورتی که گازر سید بوده ولی ابوالمحاسن مذکور در ذیل معرفی خویش نامی از سیادت و نسب خود نبرده و امکان ندارد در آن عصر سیدی تفسیری بنگارد و در آن از سیادت خود نام نبرده باشد و بطور قطع می توان گفت که مؤلف جلاء الاذهان با مفسری به نام «سید گازر» متفاوت بوده و تفسیر این سید غیر از جلاء الاذهان است و احتمال قریب به یقینی که داده می شود این است که ابوالمحاسن موفق نشده تفسیر خود را به پایان ببرد و سیدگازر با تألیف دو مجلد دیگر به تکمیل آن مبادرت نموده است. چنانچه در آخر نسخه شماره ۸۰ تفاسیر کتابخانه آستان قدس رضوی پس از اتمام سوره ناس اشعاری است که مؤلف سروده و کاتب آن را نقل کرده است و از یک بیت آن می توان استنباط نمود که غیاث الدین جمشید، تفسیر ابوالمحاسن را کامل نموده است:

انی اتممت ذلك التفسیر
حامداً فی تفرج و سرور

۱۹. ریحانة الادب. ج ۱، ص ۲۵۹.

۲۰. هدیة الاحیاب. حاج شیخ عباس قمی، ص ۱۳۸.

۲۱. ریحانة الادب، ج ۴، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۲۲. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۱، سیدعلی اردلان، ص ۴۴۸.

مؤلف اثر ارزشمند «الذریعه» عقیده دارد که قسمت دوم تفسیر غیر از بخش اول آن است:

«... و اما التفسیر الاخر الذی هو غیر جلاء الاذهان المذكور جزماً و لکنه تفسیر فارسی ایضاً و یوجد مجلد منه من سورہ مریم الی آخر القرآن فی الخزانه الرضویه... فقد احتمل مؤلف فهرسها انه تألیف الزواری السید المعروف بگازر...»^{۲۳}

ابن یوسف به هر یک از فضلا و دانشمندان که مراجعه نموده و راجع به این تفسیر مذاکره و از نسخ آن جستجو کرده، اطلاع موثقی در خصوص بخش دوم تفسیر به دست نیاورده و حتی «میرزا محمدعلی خان تربیت»، که حدود چهل سال از عمر خود را در کتابخانه های عمومی و خصوصی ایران، ترکیه و اروپا سپری نموده و اطلاعات جالبی در خصوص نسخ خطی دارد، به ایشان گفته: من از این کتاب جز دو جلد اول که مشتمل بر نصف نخستین است تاکنون ندیده ام. ابن یوسف پس از این تفحص ها و بیان شخصی چون علی خان تربیت می گوید: نسبت این دو قسمت آخر به نام «جلاء الاذهان» اشتباه است و برای ادعای خویش دلایلی می آورد؛ از جمله آنکه: طرز نگارش دو بخش تفسیر مختلف بوده و امتیاز آنها قابل تشخیص است، در قسمت دوم در هر صفحه مطالب عرفانی، و نقل قول بزرگان طریق عرفان قابل مشاهده می باشد که در قسمت اول این نکات دیده نمی شود.

در تفسیر «جلاء الاذهان» مرتباً آیات، ترجمه شده و در ضمن به اخبار وارده اشاره گردیده و در مواردی عین اخبار نقل شده ولی در تفسیر دیگر که به صاحب تفسیر جلاء الاذهان منسوب است ضمن ترجمه آیات، به مناسبت ترجمه اخبار و بعضی اوقات عین الفاظ عربی با ترجمه آنها را از روایتی به اسم و رسم مفصل ایشان نقل و پس از آن باز دنباله مطلب را در ذیل قسمتهایی بیان می کند.

این که «ابوالمحاسن» سید نبوده و در تفسیر خود از لغاتی به کار برده که در بخش دوم تفسیر متداول نیست خود دلیل دیگر بر آن است که ابوالمحاسن غیر از غیاث الدین جمشید گازر است. احتمالی که ابن یوسف می دهد این است:

تفسیر جلاء الاذهان را ابوالمحاسن موفق به اتمام آن نشده و سید گازر آن را به سبکی که نزدیک به آن است ولی با

اختلافاتی تألیف کرده و معلوم می شود که ابوالمحاسن بنا داشته این تفسیر خود را در چهار مجلد تألیف کند و دو مجلد آن را موفق شده و سیدگازر دو مجلد دیگر آن را تألیف کرده اند...»^{۲۴}

علی نقی منزوی می نویسد:

«... این تفسیر در دو قسمت است، در پشت بیشتر نسخه های نیمه اول نام جلاء الاذهان نوشته شده، لیکن در پشت نیمه دوم در بیشتر نسخه ها نوشته شده: تفسیر گازر و در برخی نسخه ها هر دو قسمت به نام جلاء الاذهان و برخی هر دو را تفسیر گازر نامیده اند و این معنا موجب گفتگو میان کتاب شناسان گردیده. نزدیکترین حدس به حقیقت همان گفته آقای «ابن یوسف» است که جلاء الاذهان قسمت اول این تفسیر است که نصف اول قرآن است و تفسیر گازر متمم آن است تا انجام آن...»^{۲۵}

و در ادامه می افزاید:

«... از همه این احتمالات گمان می رود که ابوالمحاسن نگارنده اصل تفسیر جلاء الاذهان نتوانسته آن را به پایان برساند و کسی به نام سید گازر - که همان غیاث الدین جمشید زواری باشد - آن را به پایان رسانیده و چون کوشش داشته که در روش از پیشین خود پیروی کند از این روی مردم هر دو قسمت را به یک نام - گاهی به نام اصل و گاهی به نام متمم - خوانده اند...»^{۲۶}

میرجلال الدین حسینی اموی محدث که تفسیر گازر را تصحیح نموده و به چاپ سپرده نیز با ابن یوسف متفق است و

۲۳. الذریعه، ج ۴، ص ۳۱۰.

۲۴. فهرست کتب خطی فارسی و عربی کتابخانه مدرسه عالی سبهاالار (سابق)، ج ۱، ابن یوسف، ص ۱۰۵.

۲۵ و ۲۶. فهرست کتابخانه اهدایی. سید محمود مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱، گردآورنده علیقی منزوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ش، ص ۸۵.

عقیده دارد سید گازر تکمیل کننده تفسیر ابوالمحاسن بوده است.^{۲۷}

دکتر سید محمدباقر حجتی می گوید:

«این تفسیر در دو بخش: الف- جلاء الاذهان از ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، ب- تفسیر گازر از غیاث الدین جمشید زواره ای که معروف به سیدگازر است.

مؤلفان این تفسیر را از احادیث اهل بیت گرفته و در آغاز، آیاتی از قرآن به فارسی ترجمه و تفسیر شده و گاهی اصل و متن روایت و گاهی ترجمه آن نقل شده است و نام یکی از مفسران مانند ابن عباس و قتاده و امثال آنها نیز در این تفسیر دیده می شود.^{۲۸}

گروهی از نویسندگان معتقدند که سیدگازر تفسیر مستقلی به نام تفسیر میرزا جمشید داشته که اکنون در دسترس نیست و مفقود می باشد. مرحوم محیط طباطبایی در جایی به این نکته اشاره دارند^{۲۹} و دکتر محمد شفیع در کتاب «مفسران شیعه» می نویسد:

«از قرار معلوم سید غیاث الدین نیز صاحب تفسیر بزرگی به فارسی بوده که اکنون نسخه آن نایاب شده و سید مفسر زواری با کاشانی [غیاث الدین جمشید] معاصر بوده است.»

در همین کتاب «تفسیر میرزا جمشید» به سیدگازر نسبت داده شده است.

در الذریعه ذیل تفسیر گازر آمده:

«... و لکن لایعلم انه هل هو بعینه تفسیر جلاء الاذهان او تفسیر جمشید او انه تفسیر آخر غیرهما...»^{۳۰}

در برخی منابع متأسفانه سیدگازر را با شیخ الامام تاج الدین محمد بن محمد الگازری که از فقها و دانشمندان صالح سبزوار بوده و در اواخر قرن ششم هجری می زیسته یکی گرفته اند.

* منسوبین سیدگازر

در محله «برزگران» زواره که در نزد عوام به صورت «بازی یارا» تلفظ می شود و محل سکونت عده ای از زارعین و برخی سادات طباطباست، جایگاهی تحت عنوان «مُلک غیاث» مشهور و زبانزد خاص و عام می باشد که می گویند محل سکونت

«غیاث الدین جمشید گازر» معروف به «میر غیاث الدین طباطبایی» بوده و البته گروهی دیگر اذعان می دارند که محل مزبور مدفن این سید جلیل القدر است و لذا برایش احترام قایلند.

از تعداد فرزندان وی اطلاع دقیقی نداریم و تنها در برخی منابع آمده که وی فرزندی به نام «میر سامع الدین طباطبایی» داشته که مرد خیر و محترمی بوده و در مرکز موطن و زادگاه خویش یعنی زواره مسجدی به نام «مسجد سامع الدین» بنا نموده که آثاری از آن هنوز باقی است.^{۳۱} بعضی غیاث الدین محمد میرمیران را که نامش در کتابهای تراجم و رجال ضبط است^{۳۲} منسوب به این سید می دانند.

چون سیدگازر در عصر خود و در موطن خویش از قراء معروف بوده، منسوبین به وی به طایفه «قاری» موسومند که بازماندگان آنان در زواره، اصفهان و تهران سکونت دارند.

سیدحسن زواری از مشاهیر و رجال جهان تشیع در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری، از احفاد سیدگازر می باشد و نسبش به شرح ذیل است:

سیدحسن فرزند سیدمرتضی فرزند احمد فرزند حسین فرزند سامع الدین فرزند غیاث الدین جمشید طباطبایی زواره ای.

این فقیه و ادیب نامدار، از زواره به یزد مهاجرت نموده و

۲۷. مقدمه تفسیر گازر، میرجلال الدین حسینی ارموی محدث، چاپ اول، انتشارات مهرآین، ۱۳۳۷ ش.

۲۸. چهارده مقاله و گفتار، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱، ص ۲۱۰.

۲۹. مجله گوهر، شماره ۷- مهرماه ۱۳۵۷، ص ۵۰۳.

۳۰. الذریعه، ج ۴، ص ۳۱۰.

۳۱. تاریخ اردستان، رفیعی مهرآبادی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳۲. طبقات اعلام الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، صص ۴۲۷ و ۶۰۵.

پس از مدتی راهی کربلا شده و در آنجا توطن اختیار نموده است، وی به دلیل زهد و پروا پیشگی در کربلا از احترام و عزت خاصی در نزد فضلا و بزرگان عصر خویش برخوردار بوده است. آن فرزانه به سال ۱۳۱۵ قمری در کربلا به دار بقا شتافته و در جوار بارگاه مقدس حضرت سیدالشهدا-ع- به خاک سپرده شده است.

تالیفات عدیده‌ای از آن مرحوم به یادگار مانده که به برخی از آنان اشاره می‌شود: ۱- عظام الامور من علائم الظهور ۲- ضیاء الانوار فی احوال خاتمة الائمه الاطهار ۳- جوامع الاسرار فی معراج الرسول المختار (تالیف شده به سال ۱۲۸۸ق) ۴- معارج الوصول لمحج الوصول ۵- سوابغ النعم و آیه الکبری فی احوال لیلة الاسراء:

از سرودهای وی می‌توان «حقائق المبانی» و «السرائر المستیره» را برشمرد.^{۳۳}

* معرفی اجمالی تفسیر گازر

پژوهشگران معتقدند تفسیر گازر، تحریری است از تفسیر «ابوالفتوح رازی» که مؤلفین در متن آن اصلاحاتی به عمل آورده، به گونه‌ای که در شیوه نگارش و طریقه تدوین و نحوه تصنیف آن با تفسیر مرجع تفاوت آشکاری دارد. شاید این توهم در ذهن خوانندگان پدید آید که اگر تفسیر گازر تحریری از تفسیر ابوالفتوح رازی است، پس نویسندگان آن چندان زحمتی را متحمل نشده‌اند، در حالی که محدث ارموی برای رفع این شبهه می‌نویسد:

«مصنف با این تلخیص و گزینش، خدمت بسیار برجسته‌ای نسبت به کتاب شریف آسمانی انجام داده است و مخصوصاً با توجه به اینکه بخوبی از عهده تلخیص و اختصار برآمده و باید دانست که تلخیص و اختصار امری بسیار مشکل و کاری بس شگرف است و در واقع نوعی از انواع نقل با معناست با تقید به قید قلت عبارت ...»^{۳۴}

وی درباره ارزش ادبی این تفسیر می‌افزاید:

«... این تفسیر، یک فایده بسیار مهمی را نیز مشتمل می‌باشد که برای فارسی زبانان از نقطه نظر ملیت و فرهنگ، اهمیت شایان و مقام به سزایی دارد و آن به فارسی سلیس و

شیرین بودن آن است که شاید تا حدی لطیف تر و شیرین تر از تفسیر شریف ابوالفتوح نیز باشد، زیرا چون بعد از آن بوده است شاید در نتیجه دقت و توجه بیشتر، پخته تر و آسانتر و در بیان مراد و فهم مطالب روشتر باشد...»^{۳۵}

مؤلف در مقدمه این تفسیر می‌نویسد:

از بخشنده دل و جان و بخشاینده انس و جان مدد خواستم به توفیق و یاری وی این کتاب در تفسیر قرآن تالیف کردم و نام او «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان در تفسیر قرآن» نهادم و در او جمع کردم از تاویل آیات و تفسیر مشکلات آنچه بزرگان دین و پیشوایان اهل یقین بر محک عقل زده‌اند و از قعر بحر و الراسخون فی العلم یافته‌اند و از سبب نزول آیات آنچه معتمدان روایت کرده‌اند و سیاق آیات و ظاهر [آن را] بر آن دلیل است اختیار کردم و بهر هر آیتی و علامتی اخبار و احادیث و مناقب و فضایل اهل بیت علیه السلام آنچه لایق آن بوده است نوشتم تا چشم بینندگان را نور بود و دل محبان اهل بیت را سرور و الحمد لله رب العالمین.

پس از این مقدمات، هفت فصل قبل از شروع تفسیر آمده است: فصل اول در تقسیم معانی مطالب قرآنی به چهار قسم؛ فصل دوم در اینکه مطالب قرآن از شش طرز بیرون نیست؛ فصل سوم در بیان نامهای قرآن؛ فصل چهارم در معنی سوره و آیه و مثانی و مفصل و غیره؛ فصل پنجم در بیان اینکه فهم قرآن منوط به دانستن تمام آیات است؛ فصل ششم در معنی لفظ تفسیر؛ فصل هفتم در بیان و معنای استعاده.

* نسخ خطی تفسیر گازر

قدیمی ترین نسخه خطی این تفسیر که توسط شیراحمد

۳۳. طبقات اعلام الشیعه، القسم الاول من جزء اول، شیخ آقابزرگ تهرانی،

مشهد، نشر مرتضی، صص ۴۴۱ و ۴۴۲.

۳۴ و ۳۵. مقدمه تفسیر گازر، مرحوم محدث ارموی.

التونی فرزند عمیدالملک استنساخ شده مربوط به سال ۹۷۲ هجری قمری می باشد. ۳۶ بنابراین، نظر برخی فهرست نویسان که عقیده دارند که بهترین نسخه این تفسیر متعلق به ملک الشعرای بهار بوده و به کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری اهداء گردیده و در سال ۹۸۴ هجری نوشته شده، درست نیست.

نسخه مربوط به مرحوم ملک الشعرای بهار جلد چهارم تفسیر است که با این جملات آغاز می شود:

بسمله سپاس و ثنا و حمد بی منتها مر خدایی را که این هفت گنبد ایوان معلق الخ

انجام نسخه: از امام جعفر صادق-ع- روایت است که گفت: چون قول اعوذ برب الفلق خوانده باشی بگوی اعوذ برب الفلق و چون قل اعوذ برب الناس بخوانی بگوی اعوذ برب الناس و الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین.

در کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخ زیر نگاهداری می شود:

شماره ۷۸: ۷۱۴ برگ و ۲۵ سطری که در سال ۹۷۲ ابوالقاسم شیر احمد تونی به خط نستعلیق نوشته است.

شماره ۲۰: تفسیری است به خط نسخ که در فهرست آمده: از تفسیرهای شیعی و شاید تفسیر گازر باشد. از آغاز سوره مریم تا پایان قرآن است ۳۳۰ برگ دارد. ۳۷

در کتابخانه مدرسه سلیمان خان (مسجد شاه مشهد) نسخه ای که شامل نیمه دوم قرآن از سوره کهف تا آخر آن است به خط نستعلیق که در قرن دهم تحریر شده، نگاهداری می شود. ۳۸

چهار نسخه از این تفسیر در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است:

شماره ۹۱۳ تحت عنوان: جلاء الاذهان و جلاء الاحزان
شماره ۹۱۶ تحت عنوان: تفسیر گازر
شماره ۱۱۷۰ تحت عنوان: جلاء الاذهان: تفسیر کشف الاحزان (تفسیر گازر)

شماره ۱۹۲۱ تحت عنوان: تفسیر گازر ۳۹
نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران تحت عنوان جلاء الاذهان یا تفسیر گازر:

شماره ۱۳: خط نسخ توسط عبدالعلی فرزند عبدالله که در ۱۸ صفر ۹۸۲ به پایان رسانیده است.

شماره ۲۶: نیمه دوم قرآن از سوره مریم تا ناس به خط نستعلیق کاتب گمنام.

شماره ۹۲۳: که مکرر شماره ۲۶ است ولی سوره اسراء و کهف را بر آن افزوده است، کاتب محمد فرزند لطف الله مؤذن دامغانی در سال ۱۰۵۴ هجری قمری.

شماره ۹۲۴: به خط نسخ و نستعلیق در سال ۱۰۲۶، از آغاز تا پایان سوره کهف است.

شماره ۲۵۳۶: به خط نسخ، از ربع چهارم سوره یاسین تا پایان قرن، تحریر شده در قرن یازدهم هجری قمری.

شماره ۲۹۹۶: به خط نسخ، مربوط به قرن یازدهم و ۵۷۳ برگ که در پایان آن آمده است:

تمت جلد الثانی من تفسیر کلام الملک العلام الشهیر بالغازر

شماره ۱۴۵۲: به خط نستعلیق، تحریر شده توسط هبة الله فرزند احمد رمضان...

جلد سوم از سوره کهف تا پایان ملائکه، در خاتمه آمده: تفسیر گازر. ۴۰

نسخی که در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری مضبوط است:

۳۶. اعلام الشیعه، ص ۲۷۱.

۳۷. فهرست نسخه های خطی فارسی، ج ۱، احمد منزوی، مؤسسه فرهنگی منطقه ای، مهر ۱۳۴۸، ص ۴۰.

۳۸. فهرست نسخه های خطی چهار کتابخانه مشهد، ج ۱، کاظم مدیر شانه چی و...، ص ۴.

۳۹. فهرست نسخه های خطی دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، دکتر محمود فاضل، ج ۲ و ۳.

۴۰. ر. ک: فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. نوشته علینقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۶۹۹ و ۷۰۰.

شماره ۲۰۳۶: به خط نسخ محمدتقی بن محمد شفیع الحسینی در سنه ۱۰۳۸ قمری شامل دو جلد اول تفسیر در پشت صفحه اول محمد قائم مقام در سنه ۱۰۶۸ نوشته این تفسیر به تفسیر گازر شهرت دارد و اعتضاد السلطنه پشت صفحه اول نوشته: تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان موسوم به تفسیر گازری ...

شماره ۱۹۳۸: به خط نسخ محمد معصوم ابن ملا شاه محمد در سنه ۱۰۹۳ هجری، شامل جلد دوم از سوره مریم تا پایان قرآن، اسامی سوره ها و برخی کلمات برجسته آن با رنگ سرخ مشخص شده است.

شماره ۵۱۷۶: نستعلیق: نستعلیق سده ۱۱، از سوره کهف تا پایان قرآن که سوره کوثر افتاده است و ۶۳۲ برگ دارد، نام کاتب مشخص نمی باشد. ۴۱

نسخه های موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی: شماره ۸۰۳: شامل جلد اول تفسیر گازر که در سال ۱۰۰۹ تحریر گردیده است.

شماره ۸۰۴: نسخ و نستعلیق توسط میرحامد مداح، تحریر شده در ۱۰۱۱ هجری که شامل ۲۲۹ برگ بوده و از سوره اعراف تا بنی اسرائیل را دارد.

شماره ۸۰۵: نسخ مربوط به سده یازدهم هجری، ۱۸۸ برگ و شامل جلد سوم از سوره مریم تا کهف.

شماره ۸۰۶: نسخ، تحریر شده در سال ۱۰۶۹ هجری، جلد چهارم از سوره یاسین تا پایان قرآن، ۳۴۸ برگ.

شماره ۸۰۷: نستعلیق مربوط به قرن یازدهم که جلد اول و دوم را شامل می شود و ۳۶۴ برگ دارد.

شماره ۴۹۵۵: به خط نستعلیق محمد موسوی کاتب (نیمه اول) و حسن فرزند محمد شاه یزدی (نیمه دوم) این نسخه شامل جلد یکم است و ۴۶۲ برگ دارد.

شماره ۶۰۹۹: به خط نسخ احمد بن علی سبیک مرادی در سال ۱۰۲۰ هجری ۴۱۴ برگ از سوره کهبعض تا پایان سوره ناس را دارد. ۴۲

نسخه ضبط شده در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی المرعشی النجفی:

ش: ۱۹۳۹، از اول آیه ۸۹ سوره طه تا آخر قرآن کریم به خط نستعلیق و ۶۱۰ برگ. ۴۳

در کتابخانه مسجد اعظم قم نسخه ایی از این تفسیر که شامل سوره اعراف تا سوره بنی اسرائیل است به شماره ۳۷۴۶ موجود می باشد که در قرن یازدهم تحریر گردیده است. ۴۴

در کتابخانه آستانه شاهچراغ (شیراز)، کتابخانه تبریز و نیز برخی کتابخانه های قاهره و برخی کشورهای عربی نسخی از این تفسیر نگهداری می شود.

تفسیر گازر با تصحیح و تعلیقات و مقدمه مفصل مرحوم میرجلال الدین حسینی ارموی محدث به سال ۱۳۳۷ شمسی از سوی انتشارات مهرآیین در ده جلد به زیور طبع آراسته گردیده است. آقای شیخ عزیزالله عطاردی، فهرستهای متفاوت این تفسیر را در یک جلد تدوین و آن را مفتاح تفسیر گازر نام نهاده که به عنوان یازدهمین جلد تفسیر یاد شده، انتشار یافته است.

* تذکر در خصوص کتاب طبقات مفسران شیعه

«طبقات مفسران شیعه» خوشبختانه تاکنون دو جلد آن انتشار یافته است، مؤلف کتاب، یکی از دلایلی را که سبب تالیف کتاب گردیده توفیق اجباری می داند و آن تدریس «تاریخ تفسیر و مفسران» است. با تورتی در این دو جلد ملاحظه می شود که گرچه مؤلف محترم زحماتی قابل تحسین را متحمل گردیده ولی حاوی ضعف دقت علمی بوده و چون مؤلف در نشر اثر مزبور شتاب داشته، ارزش تحقیقی کتاب در سطح

۴۱. فهرست کتب خطی فارسی و عربی کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار [شهید مطهری] ج ۱، ص ۱۰۶.

۴۲. فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجلدات گوناگون و نیز فهرست نسخه های خطی فارسی منزوی.

۴۳. فهرست کتب خطی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ج ۵، نگارش سید احمد حسینی.

۴۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، رضا استادی، ص ۱۰۶.

بالایی نمی باشد و این به معنای تقبیح کار ایشان نخواهد بود. راقم این سطور در نظر دارد به نویسنده کتاب یاد شده در خصوص چند تن از مفسرین که با مقالات نگارنده ارتباط دارند، نکاتی را یادآور شود.

ایشان در ص ۲۴۶ جلد دوم طبقات مفسران شیعه ذیل معرفی تفسیر جلاء الاذهان درباره مؤلف این اثر می نویسد: «زنده در سال ۷۲۲ هجری» در حالی که در ص ۳۸۹ همین جلد ذیل معرفی تفسیر مذکور می نویسد: «فراغت از تالیف ۹۶۸ هجری) و بعد اضافه می کند که مؤلف آن از اعلام قرن دهم هجری می باشد.

در ص ۲۴۶ تنها به دو نسخه خطی این تفسیر اشاره شده که در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری نگهداری می شود، در حالی که نسخ متعددی از آن در اغلب کتابخانه های معتبر ایران طبق فهرست چاپ شده ضبط است و در نوشتار حاضر به بخش هایی از آنها اشاره گردیده است.

در ص ۳۸۸ مؤلف از چاپ و انتشار این تفسیر خبر می دهد و اشاره می کند که در سال ۱۳۳۸ شمسی انتشار یافته است ولی در ص ۳۹۰ ضمن تکرار همین مطلب می گوید تفسیر در سال ۱۳۳۷، چاپ شده است. در ص ۲۴۶، مؤلف تفسیر جلاء الاذهان را از معاصرین علامه حلی می داند ولی در ص ۳۸۸، وی را به عنوان یکی از علمای قرن دهم معرفی می نماید، شایسته بود که نویسنده محترم به جای ذکر نقل قولهای تراجم نویسان که در این خصوص با یکدیگر انطباق ندارند، تحقیقی پیرامون مؤلفین این تفسیر می کرد و نظر خود را به مشتاقان اعلام می نمود، زیرا بین نویسندگان این بحث مطرح است که تفسیر گازر توسط ابوالمحاسن نوشته شده و سید غیاث الدین جمشید گازر زواره ای به تکمیل آن پرداخته است.

در ص ۸۵ جلد اول در خصوص معرفی علی بن حسن زواری شاگرد غیاث الدین مزبور، مؤلف محترم ادعا دارد که تفسیر ترجمه الخواص را زواری به سال ۹۶۴ قمری به اتمام رسانیده است ولی در ص ۳۶۹ جلد دوم ذیل معرفی ترجمه الخواص تاریخ اتمام آن را ۹۴۶ قمری نوشته است که هیچ کدام از این تاریخها درست نیست و مؤلف تفسیر در خاتمه آن کلمه «فضل الله» را به عنوان ماده تاریخ تفسیرش ذکر کرده که برابر

۹۴۷ قمری خواهد بود و دکتر سید محمدباقر حجتی به این نکته اشاره نموده اند.

در ص ۳۷۰ جلد دوم نمونه ای از نشر تفسیر ترجمه الخواص را آورده و مآخذ آن را جلد ۲۰ الذریعه ص ۴۷ معرفی کرده در حالی که چنین چیزی نیست و مآخذ این نمونه نشر در صفحه ۴۲ مجله آینه پژوهش (شماره مسلسل ۹) می باشد. و اصولاً در دادن مآخذ و منابع، نویسنده دقت نموده است.

در ص ۳۷۱ ذیل آثار علی بن حسن زواری «ترجمه المناقب» و «ترجمه کشف الغممه اربلی» را دو اثر جداگانه ای از این مؤلف ذکر نموده، در حالی که هر دو یکی هستند.

در ص ۳۶۹ تاریخ وفات سید غیاث الدین جمشید را ۹۸۸ قمری ذکر می کند ولی طبق کتب تراجم و نیز نقل الذریعه این تاریخ وفات مولا فتح الله کاشانی شاگرد علی بن حسن زواری است و تاریخ فوت سید غیاث الدین بر تراجم نویسان معلوم نگردیده است.

در همین صفحه آمده است: زواره ای (متوفی ۹۴۷ ق) در حالی که این تاریخ به پایان رسیدن تفسیر ترجمه الخواص است و گرچه از تاریخ وفات این مفسر اطلاعی در دسترس نمی باشد ولی آن گونه که در پایان کتاب «لواعم الانوار» وی آمده، این کتاب را به سال ۹۶۸ قمری تالیف نموده و لذا در این تاریخ در قید حیات بوده است.

ایشان در سال ۲۹۸ جلد دوم کتاب طبقات مفسران شیعه «مشارق الامان و لباب حقایق الایمان» را به عنوان تفسیری از «شیخ رجب برسی» معرفی کرده در حالی این کتاب غالباً جنبه روایی و حدیثی دارد و شیخ مذکور سه کتاب دیگر در موضوع تفسیر تالیف نموده که عبارتند از: تفسیر سوره اخلاص، الدرر الثمین که پانصد آیه از قرآن را که در خصوص مقام و منزلت اهل بیت می باشد تفسیر نموده است، خفی الاسرار کتابی در تفسیر قرآن با عنایت به آیات و روایات.

